

ایتالو کالوینو

بارون درخت نشین

ترجمه

مهدی سحابی



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس ۱۳۵۲

چگونه می‌توان هم از مردم گریخت و هم از نزدیک با ایشان، و برایشان، زندگی کرد؟ چگونه می‌توان هم به زندگی آدمیان و قراردادهای دیرینه آن پشت پا زد و هم برای آنان، و به کمک خودشان، زندگی نو و نظم نوینی را جستجو کرد؟ بارون روندو به این پرسش‌ها پاسخ می‌گوید. پاسخی نه با وعظ و نظریه پردازی که با خود زندگی‌اش، با شیوه زیستنش می‌آموزد که برای آدم همه چیز شدنی است؛ تنها به این شرط که بخواهد و بهای آن راپردازد.

بارون روندو از سنت‌های کهنه و قیده‌های بی‌چون و چرای اجتماعی می‌گریزد و شیوه‌ای از زیستن را برای خود برمی‌گزیند که دیگر کوچکترین همانندگی با زندگی مردمان ندارد. زمین سفت و آشنای زیر پا را رها می‌کند و به زندگی در راه پیچاپیچ و لرزان بالای درختان می‌رود، یعنی می‌توان گفت که دنیای دیگری را جایگاه خود می‌کند. اما نه این که در «برج عاج» بنشیند. فاصله گرفتنش از زمین برای دوری جستن از مردم نیست. برعکس؛ پنداری در جستجوی میدان دید گسترده‌تری به میان شاخ و برگ درختان می‌رود تا همه چیز را بهتر و بیشتر ببیند، تا بهتر بتواند به آنچه برایش «شورش» کرده است عمل کند.

آنچه بارون روندو را به سرکشی و خیره‌سری وامی‌دارد و به دنیای سبز و هوایی می‌کشاند دلزدگی از نظم کهنه اجتماعی و نیاز پرشور به دگرگون کردن

شگرفش، بر همه این بودن‌ها و شدن‌ها آگاهی دارد و در این تکاپوی همگانی از نزدیک شرکت می‌کند.

درباره این دوره بزرگ، که «دائرة‌المعارف» و انقلاب کبیر فرانسه از برجسته‌ترین نموده‌های آن است، شاید بسیار چیزها بدانیم. اما آنچه در این کتاب می‌گذرد و به شیرینی قصه بلندی خواننده را شیفته می‌کند، در هیچ کجا نیامده است. با این کتاب به گشت و گذار در سرزمینی می‌رویم که البته در دل دنیای شنیده‌ها و دانسته‌های ما قرار دارد؛ اما در هر گام، در سر هر پیچ شاخه‌ای و در پس هر دسته برگی، ماجرا و افسانه و حماسه‌ای در انتظار ماست. و نیز درسی برای کسی که چشم بینا داشته باشد.

ایتالو کالوینو یکی از سرشناس‌ترین چهره‌های ادبیات امروزی ایتالیاست و به‌خاطر شیوه خاص خودش جایگاه ویژه‌ای در میان رمان‌نویسان اروپایی دارد، شیوه‌ای که تخیل نیرومند، طنز پاک و ظریف و توجه نزدیک به واقعیت و تاریخ را در هم می‌آمیزد. در آثار او، که آکنده از تمثیل و استعاره است، نگرش موشکافانه واقعیت و طنز و افسانه‌پردازی و تخیل شاعرانه همه به یک اندازه جا دارد. «بارون درخت‌نشین» معروف‌ترین اثر و بهترین نمونه سبک کار اوست.

کالوینو در سال ۱۹۲۳ در سانتیاگو دلاس وگاس (کوبا) به دنیا آمد. پدر و مادرش هر دو ایتالیایی و گیاه‌شناس بودند. اثر این تخصص پدر و مادر در فضای بکر و بی‌همانند همین کتاب و در آشنایی ژرف نویسنده با درختان و جانوران نمودار است، به گونه‌ای که می‌توان این کتاب را همچنین قصیده‌ای در ستایش از «درخت» دانست.

از دیگر آثار اوست: **ویکت شقه شده**، **شوالیه ناموجود**، **زمان صفر** و **ماجراها، مارکو والدو، شهرهای نامرئی**، اگر در یک شب زمستانی مسافری. ایتالو کالوینو در سال ۱۹۸۵ درگذشت.

آن، و پی افکندن نظم تازه‌ای است که کردار آدمیان، و رابطه‌شان را با خودشان و طبیعت، درست و بسامان کند. در این راه، از یک سو به جهان کهنه پشت پا می‌زند تا به دنیایی تازه راه برد و آن را بشناسد، و از سوی دیگر با دگرگون کردن زندگی خود الگویی از تازه‌جویی و پویندگی را به نمایش می‌گذارد. و شاید مهم‌ترین درس زندگی بارون‌روندو - و این کتاب - همین است که هرآنچه در آن مطرح می‌شود باز زندگی عملی و شدنی آدمها رابطه مستقیم دارد. بارون‌روندو به هیچ انگیزه و دستاویزی در بیرون از میدان بینش و دانش و توانایی انسان کاری ندارد و به همین دلیل، همه آنچه می‌کند و در نگاه اول شگرف و حتی افسانه‌ای می‌نماید، در نهایت واقعی است و با تجربه سازگاری دارد. از این رو، همان‌گونه که برادر بارون در پاسخ ولتر می‌گوید، دوری گرفتن او از زمین برای نزدیکتر شدن به آسمان نیست، برای این است که زمین را بهتر ببیند.

این ادعا در عمل به خوبی اثبات می‌شود. بارون، که ظاهر مردم‌گریزش او را هرچه بیشتر به جانوران و درختان ماننده می‌کند، در واقع با کوچکترین جنبه‌های زندگی اجتماعی هم کار دارد. در گریز از نظم کهنه و در پویش دنیایی تازه برای همگان آن‌چنان صادق است که حتی در اوج گوشه‌گیری به سازماندهی همگانش می‌پردازد تا روزگار و کاروبارشان را بهتر و شایسته‌تر کند. از تلاش جمعی برای فرونشاندن آتش جنگل و تاراندن گرگ‌های گرسنه گرفته تا پژوهش و نظریه‌پردازی برای انقلابی جهانی و برپایی «جمهوری درختستان»، هرآنچه در پندار ما - و ذهن نیرومند نویسنده کتاب - می‌گنجد، شدنی است و بارون‌روندو به آن دست می‌زند، و این را در زمانه‌ای می‌کند که «دانش نوپا همه چیز را شدنی می‌نمایاند و کلیدی است که می‌تواند هر در از دیرباز بسته‌ای را بگشاید»: دوره «روشنایی» است، دورانی است که خرد بر جهان فرمان می‌راند و نوآورانی با تیغ تیز دانایی به ستیز با باورهای کهنه برمی‌خیزند، دوره جوششها و خیزشهایی است که باید انسانی نو از آن زاییده شود. و بارون‌روندو، از جایگاه